

«آفرینش همه تنبیه خداوند دل است»

معنی بیت های شعر درس اول ادبیات پایه ی نهم

دبیرستان غیردولتی هوشمند هدف

خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار

بامدادی که که تفاوت نکند لیل و نهار

-در صبح زود اول بهار که طول شب و روز آن یکسان است، رفتن به صحرا و تماشا کردن گل های زیبای بهاری، لذت بخش است.

آرایه ها: لیل و نهار: تضاد/ بهار و نهار: جناس

نکته:

تفاوت نکرن لیل و نهار، اشاره به مساوی بودن طول شب و روز در سال دارد که در ابتدای بهار و ابتدای پاییز اتفاق می افتد. هم چنین می تواند به هنگام صبح که هوا تاریک و روشن و گرگ و میش است و نمی توان بین شب و روز مرزی قائل شد، اشاره داشته باشد.

دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است

-تمام پدیده های آفرینش برای آگاه کردن انسان های عارف است و اگر کسی به وجود خداوند اعتراف نکند و به خدا ایمان نیاورد، ذوق و احساسی ندارد.

آرایه ها: وواج آرایی «د»/ که و به: جناس/ دل: مجازاً احساس و عاطفه/

هر که فکرت نکند، نقش بود بر دیوار

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود

-هر کسی که با این همه نقش ها و پدیده های عجیب هستی به آفریننده ی آنها نیندیشد، همانند عکس و تصویر روی دیوار، بی احساس و بی روح است.

آرایه ها: در و دیوار، نقش: مراعات نظیر/ بر و در: جناس/ نقش بر دیوار بودن: کنایه از بی احساس بودن و بی جان بودن

نه همه مستمعی فهم کند این اسرار

کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح اند

-کوه، دریا و درختان (همه موجودات) در حال نیایش خداوند هستند، اما هر شنونده ای این راز را درک نمی کند.

آرایه ها: کوه و دریا و درختان: مراعات نظیر/ بیت تلمیح دارد به آیه ی چهل و چهار سوره اسراء: *إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا*.
معنی: چیزی در جهان نیست مگر آن که خدا را تسبیح می کند و به پاکی می ستاید، لیکن شما تسبیح آن را نمی فهمید. به درستی که خدا صبور و آمرزنده است.

خبرت هست که مرغان سحر می گویند آخر ای خفته، سر از خواب جهالت بردار؟

- آیا خبر داری که پرندگان سحری به هنگام صبح می گویند: ای انسان غافل، از بی خبری و نادانی، رهاشو.
آرایه ها: خواب، سحر و خفته: مراعات نظیر/ سر و سحر: جناس / سر از خواب برداشتن: کنایه از آگاهی و بیداری

تا کی آخر چو بنفشه، سر غفلت در پیش حیف باشد که تو در خوابی و نرگس، بیدار

- تا کی می خواهی مانند گل بنفشه، در غفلت و نادانی به سر ببری. حیف است که تو بی خبر و غافل باشی و گل نرگس بیدار و آگاه باشد.

آرایه ها: بنفشه و نرگس: مراعات نظیر/ چو بنفشه: تشبیه/ در و سر: جناس/ بنفشه در این بیت، نماد غفلت و سرافکندگی/ نرگس، نماد بینایی و آگاهی است/ سر غفلت در پیش گرفتن: کنایه از ناآگاهی

که تواند که دهد میوه الوان از چوب؟ یا که داند که برآرد گل صدبرگ از خار؟

چه کسی می تواند از چوب بی جان، میوه ی رنگارنگ تولید کند؟ یا چه کسی می تواند از خار بی ارزش، گل صد برگ به وجود آورد؟

آرایه ها: چوب: استعاره از درخت/ گل و خار: تضاد / هر دو مصراع پرسش انکاری دارند.
پرسش انکاری: هرگاه شاعر یا نویسنده پرسشی را مطرح کند که پاسخ آن مشخص باشد، به آن پرسش انکاری می گویند. به عبارتی پرسش انکاری سوالی است که نیاز به پاسخ ندارد زیرا گوینده و شنونده هر دو پاسخ آن را می دانند.

مانند: همچو نی زهری و تریاقی که دید؟ جواب مشخص است: هیچ کس
که تواند که دهد میوه ی الوان از چوب؟ مشخص است: هیچ کس

عقل حیران شود از خوشه زرین عنب فهم، عاجز شود از حقه یاقوت انار

- عقل از زیبایی خوشه طلایی انگور، شگفت زده می شود و فهم از درک زیبایی و ظرافت های دانه های انار که مانند یاقوتی سرخ و ارزشمند، درون یک صندوقچه ی کوچک، می درخشد، ناتوان است.

آرایه ها: حیران شدن عقل و عاجز بودن فهم: شخصیت بخشی / عنب و انار: مراعات نظیر / حقه یاقوت انار: اضافه تشبیهی ؛ انار به صندوقچه ی پراز یاقوت تشبیه شده است.

پاک و بی عیب خدایی که به تقدیر عزیز ماه و خورشید، مسخر کند لیل و نهار

- خداوند پاک و بی عیب با فرمان خود، تمام پدیده ها و موجودات را (ماه، خورشید و شب و روز را) مطیع و رام خود کرده است.

آرایه ها: لیل و نهار: تضاد / ماه و خورشید و لیل و نهار: مراعات نظیر / بیت، تلمیح به آیات قرآن دارد.

تا قیامت سخن اندر گرم و رحمت او همه گویند و یکی گفته نیاید ز هزار

- اگر همه مردم تا روز قیامت درباره بخشش و لطف خداوند سخن بگویند، باز هم یکی از هزاران لطف و رحمت خداوند، گفته نمی شود.

نکته دستوری: «تا» حرف اضافه است و قیامت، متمم / همه، نقش نهادی دارد.

نعمتت بار خدایا، ز عدد بیرون است شکر انعام تو هرگز نکند شکرگزار

- پروردگارا، نعمت های تو قابل شمارش نیست و هیچ انسان شکر گزاری نمی تواند، شکر نعمت های بی کران تو را به جای آورد.

آرایه ها: نعمت، شکر، انعام و شکرگزار: مراعات نظیر / ز عدد بیرون بودن: کنایه از بی شمار بودن

سعدیا، راست روان، گوی سعادت بردند راستی کن که به منزل نرسد کج رفتار

- ای سعدی، انسان های درست کردار، به سعادت و خوشبختی می رسند؛ بنابراین توهم انسانی صادق و راستگو باش، زیرا انسان بدرفتار به هدف و مقصودش نمی رسد.

آرایه ها: که و به: جناس / گوی بردن: کنایه از دست یافتن و سبقت گرفتن

نکته دستوری: سعدی: منادا و «ا»: حرف ندا. هم چنین سعدی در این بیت تخلص نیز می باشد.